

مردانی کوچک با پیامی قوی

اول قرنیتیان باب ۴ آیات ۱ الی ۵

نگرش درست به رسولان



پس همگان باید به ما به دیدهٔ خادمان مسیح و کارگزارانی بنگرند که رازهای خدا به آنان به امانت سپرده شده است. و حال انتظاری که از کارگزار میرود این است که امین باشد. اما برای من قضاوت شما یا قضاوت هر دادگاه انسانی دیگر چندان مهم نیست. من حتی خود نیز دربارهٔ خویشتن قضاوت نمیکنم. زیرا از خود عیبی نمیبینم، اما این مرا بیگناه نمی سازد. بلکه خداوند است که دربارهٔ من قضاوت میکند. پس دربارهٔ هیچ چیز پیش از وقت قضاوت نکنید، بلکه صبر کنید تا خداوند بیاید. او آنچه را که اکنون در تاریکی نهان است، در روشنایی عیان خواهد کرد و نیت‌های دلها را آشکار خواهد ساخت. آنگاه تشویق و تمجید هرکس از خود خدا خواهد بود.

چه مدت لازم است تا من یک مسیحی شوم؟ این اولین سوالی است که هرکسی برای اولین بار وارد کلیسا میشود از خودش میپرسد. و به عنوان جواب این را خواهد شنید که: در ابتدا باید کلاس های غسل تعمید را بگذرانی و در پایان یک امتحان کوچک بدهی. سپس میتوانی غسل تعمید بگیری! روز غسل تعمید روزی خواهد بود که ما از آن تاریخ میتوانیم بگوییم من مسیحی شده ام. میتوان گفت که مراحل مسیحی شدن کاملاً شبیه به مراحل گرفتن گواهینامه ی رانندگی میباشد به طوری که: من چیزهایی را یاد خواهم گرفت امتحان کوچکی خواهم داد و سپس غسل تعمید خواهم شد و مدرکی برای این غسل به من میدهند. دقیقاً مانند آموزش رانندگی. با مدرک غسل تعمید اولین روز زندگی مسیحی خودم را آغاز خواهم کرد. همانند راننده ای که گواهینامه ی خود را با خوشحالی دریافت کرده و اجازه دارد در خیابان ها بدون هیچ ممانعتی رانندگی کنم من نیز به عنوان یک مسیحی اجازه دارم بلد فریاد بزنم و به همه بگویم: از هم اکنون من یک مسیحی غسل تعمید گرفته هستم و دیگر به مانند گذشته زندگی نمیکنم بلکه زندگی مسیحی ام را آغاز نموده ام. اما مثال گواهینامه ی رانندگی تنها برای بخشی از غسل تعمید صدق میکند. در واقع غسل تعمید چیزی کاملاً متفاوت با گواهینامه ی رانندگی است. بنابر این من تنها تا وقتی که غسل تعمیدم را بگیرم به کلیسا نخواهم رفت بلکه دیگر تا آخر عمر باید این کار را انجام دهم. گرفتن غسل تعمید همانند گواهینامه رانندگی نیست که پس از مدتی مشخص تمامی قوانین مربوطه را یاد بگیرم و پس از آن اجازه داشته باشم که به خانه بروم. تعالیم غسل تعمید همواره ادامه خواهد داشت و مدت مشخصی برای پایان تمام تعالیم وجود ندارد. تقریباً به اندازه ی تمام عمر. کلیسا به مانند یک مدرسه برای تعالیم غسل تعمید است که من قبل و بعد غسل اجازه ی رفتن به آنجا را دارم. مسیحی شدن به این بستگی ندارد که یک مرد کوچک به نام پاستور بیاید و به طور خصوصی و یک به یک تمام رفتار مسیحی را به تو یاد دهد. مسیحی شدن چیزی کاملاً متفاوت است. و آن به معنای تولدی دوباره و زندگی جدید است! بنا بر این مسیحی شدن و زندگی مسیحی تو تنها به خالق تو بستگی دارد و نه شخصی با لقب پاستور. به همین جهت امکان ندارد که من در زمان مشخصی خدا را به مقدار کافی برای خود داشته باشم. به جای این که یک امتحان نهایی بدهم باید در ابتدا امتحانی بدهم که پس از آن همیشه و تا پایان عمر انرژی و برکت خداوند را در زندگیم دریافت نمایم. دقیقاً همانطور که انسان برای زندگی به آب اکسیژن و غذا احتیاج دارد ما نیز به عنوان یک مسیحی به خداوند در زندگی مسیحی مان نیازمندیم. به طوری که عیسی مسیح میفرماید: انسان تنها به کمک نان نمیتواند زنده بماند بلکه به وسیله ی کلام خداوند. و کلام خدا را نیز نمیتوان از طریق اینترنت و یا یک اپلیکیشن بدست آورد. بلکه میتوان توسط یک جامعه ی پر جنب و جوش و بدن و خون عیسا مسیح (نان و شراب) در کلیسا دریافت نمود. اما سوال اینجاست که این مرد کوچک که تعالیم غسل تعمید را به ما یاد میدهد چه ارتباطی با خدای زنده دارد؟ ما اجازه ندارم

در مورد این بنده ی حقیر خداوند قضاوت اشتباه کنیم. یحییای تعمید دهنده که امروز در مورد آن از انجیل خواندیم به ما تنها و ضیفه ی یک پاستور را اینگونه شرح میدهد: آماده کردن راه خداوند! همانند دیگر رسولان. همچنین پولس رسول. پاستور ها ایجا هستند که با آغوشی باز چشمان راه و خودمان را به سمت عیسی مسیح و راه خداوند هدایت کنند. اما در زمان پولس رسول مردم همیشه به پاستور ها وابسته بودند اما دقت نمیکردند که هدف پاستور ها چیست و با انگشت کدام جهت را نشان میدهند. به همین دلیل اولین مسیحیان فراموش کردند که هدفشان چیست. گروهی از مردم میخواستند با کسانی صحبت کنند که آنان را رسول می نامیدند گروهی دیگر میخواستند با پتروس صحبت کنند و همچنین گروهی دیگر با پولس. بنا بر این هرکس رسول دلخواه خود را داشت و رفتار و مزایا و معایب او را دنبال و تقلید می نمود. پولس میفرماید: مزخرف است! شما هنوز متوجه نشده اید! تمام هدف یک نفر است و نه چندین رسول و آن یک نفر عیسی مسیح میباشد. بنابراین مردم را با یکدیگر مقایسه نکنید. و از آنان بیشتر از حد توانشان توقع نداشته باشید. چیزی که پولس رسول در مورد انسان ها میگوید را میتوان کمی مانند لنز دوربین تصور کرد. لنز یک دوربین عکسی که از دوربین گرفته شده است نیست. بلکه این عکس سرچشمه ی دیگری دارد که آن هدف عکاس می باشد. اما توسط آن لنز آن منظره دیده روشن شده و در فرم و حالت خاصی بر روی فیلم ثبت میگردد. این لنز یک وسیله است برای به تصویر کشیدن آن منظره. لنز در میان عکاس و منظره قرار دارد. پس به دلیل این که لنز در میان راه ما قرار دارد پس او میتواند راه را برای ما تیره و تاریک نگاه دارد و راه واضح و روشن را به ما نشان ندهد. و این ظاهرا در کلیسا اتفاق خواهد افتاد که پاستور به جای این که در مورد خداوند و عیسی مسیح صحبت نماید و راه رسیدن به آن را به مردم نشان دهد هدف و خواست خود را برای انسان ها به نمایش بگذارد. متأسفانه کاملا این خطر وجود دارد. اگر این اتفاق بیوفتد به جای آن تصویر رنگارنگ و وسیع و واضحی که خداوند برای ما فرستاده است درونیات یک انسان را خواهیم دید. چه کوتاه فکرانه است! عیسی مسیح در این باره میفرماید: این همانند آن است که یک کور راه را به چند کور دیگر نشان دهد. این نتیجه ی وحشتناک را میتوان زمانی دید که مردمانی در نام خداوند کارهای سیاسی که خود میخواهند انجام دهند را انجام میدهند و از اداوند سوء استفاده میکنند. بنابر این در اینجا پولس رسول کاملا ووضوح سخن میگوید که: رسولان و بنده های عادی خداوند چه کسانی هستند؟ ما نباید از آنان بیشتر از حد توانشان توقع داشته باشیم. و نه حتی کمتر.

بندگان مسیح و مباشرین خداوند تنها شما هستید. نه بیشتر و نه کمتر. و از چنین انسان هایی نمیتوان بیشتر از حدشان انتظار داشت که وفادار باشند. به عبارتی دیگر تمامی پاستور ها وفادارند که نوری که توسط کلام خدا از او میگیرند را بر انسان های دیگر بتابانند. از ابتدا تا انتها به هیچ عنوان این ها اعمال درونی خود پاستور ها نیستند. و حتی نیروی درونی آنان نیز نیست. این نیز دلیلی است که چرا پاستور ها در کلیسا عبای سفید بر تن دارند. آن عبای سفید سنبل لباس غسل تعمید است و آن شال های رنگارنگ نماد این است که این پاستور در خدمت عیسی مسیح است و او را بازگو میکند نه خودش را.

و همچنین نباید گفته ها و اعمال پاستور بر خلاف انجیل باشد. عیسا مسیح به شاگردانش این قدرت را داد که در نام او با مردم صحبت کنند. عیسی مسیح در یوحنا باب ۲۰ آیه ی ۲۳ میفرماید: آن کس که گناهان شما را بخشید شما نیز او را ببخشید و کسی که آنها را ننگه داشت شما نیز ننگه دارید. بدین ترتیب وقتی من میبینم که پاستور یک خطاکار است من نیز مانند او خطا کار هستم و به خوبی گوش میدهم به کلام خدایی که از زبان او میشنوم. برگردیم به مثال لنز دوربین: هنگامی که پس از سفر من به عکس هایی که در طول سفر گرفته ام نگاه میکنم دیگر توجهی بل لنزی که این عکس ها را گرفته است ندارم بلکه توجهم به عکس های فوق العاده زیبایی است که روبروی من قرار دارند. دقیقا همان طور که من کلام خداوند را در مراسم عشاء ربانی و در موعظه ها میشنوم. من کلمات را از دهان خداوند میشنوم و از دهان وی نیز آمرزش خواهم شد. تنها در شرایطی این ماجرا غلط است که من این کلمات را از دهان یک پاستور گنهکار بشنوم و بدانم که این کلام ها کلام های خدا نیستند بلکه کلام های آن پاستور هستند من نیز همانند آن پاستور گناه کار خواهم بود.

هنگامی که به کلیسا بروم. حتی پس از این که غسل تعمید گرفته باشم. در کلیسا با حسرتی خاص خواهم دید که عکسی نورانی و بسیار زیبا از پشت سر پاستور بیچاره جلوه میکند. در چنین شرایطی زندگی در غالب یک فرد مسیحی بسیار

زیبا و با ارزش تر است از پیروز شدن در یک امتحان موفقیت آمیز. این زندگی ای است با خداوند. و زندگی با خدا پایانی نخواهد داشت! آمین.

Mehran.Atri